

## هر نوع تحلیلی از موضوعات دینی که عقلانی و البته مبتنی بر آموزه‌های وحیانی باشد می‌تواند ذیل عنوان الهیات قرار بگیرد و از آنجا که الهیات درباره موضوعات اجتماعی تحلیل‌های عقلانی و البته منطبق با آموزه‌های دینی ارائه می‌کند، می‌توان اسم آن را الهیات اجتماعی و یا الهیات تمدنی نام نهاد.

با تفسیر الهیاتی، راهکارهایی الهیاتی برای حل معضلات و بحران‌های تمدنی ارائه نماید.

خلاصه آنکه رسالت الهیات تمدنی محدود به رسالت علم کلام نیست که به دفاع از آموزه‌های دینی پرداخته، دینداران را اقناع کند و معاندان را محکوم. الهیات تمدنی الهیاتی فراتر از الهیات اجتماعی در معنای مذکور است. البته تشابهاتی میان کلام و الهیات تمدنی وجود دارد. مثلاً اینکه وظیفه این الهیات مانند علم کلام ارائه تبیین عقلانی از مسائل اجتماعی در اسلام است، و یا اینکه علم کلام و علم الهیات تمدنی هر دو بر منابع دینی تکیه کرده و آن را شاخص و ملاک در مطالعات خود می‌دانند، لیکن رسالت الهیات تمدنی نه فقط تفسیر و یا توجیه آموزه‌های برآمده از وحی، بلکه ۱. تفسیر الهیاتی از رخداد‌های اجتماعی و ۲. ایجاد تغییر در عرصه اجتماعی نیز هست. به دیگر بیان، الهیات تمدنی الف) الهیاتی است معطوف به تمدن که با رویکرد و روش الهیاتی (عقلانی-وحیانی) درصدد تفسیر و تبیین ابعاد ماورایی تمدن‌ها و کشف قوانین حاکم بر تمدن‌ها (سنن ظهور و سقوط تمدنی) برمی‌آید، ب) معضلات اجتماعی و رخداد‌های کلان انسانی را با رویکرد الهیاتی تفسیر و تبیین می‌کند، ج) در حل معضلات تمدنی از پایگاه الهیاتی مشارکت می‌کند، و د) در طراحی تمدنی نقش الهیاتی ایفا می‌کند.

الهیات تمدنی را می‌توان امروزه در مباحث مربوط به حوزه «الهیات و فرهنگ»<sup>۲</sup> و «الهیات سیاسی»<sup>۳</sup> و «الهیات عمل‌گرا»<sup>۴</sup> دنبال کرد. لیکن به نظر می‌رسد مهم‌ترین الهیاتی که امروزه می‌توان الهیات تمدنی را با آن مقایسه کرده و از تئوری‌ها و روش‌های آن در بسط الهیات تمدنی استفاده نمود «الهیات معطوف به عمل» است. الهیات عملی درصدد کشف مسائل عینی، تفسیر الهیاتی از آن، پاسخ الهیاتی به آن مشکل، و سپس مسئولیت‌پذیری در برابر پاسخ‌های خود به نیازهای واقعی است. به بیان تفصیلی‌تر، الهیات معطوف به عمل (یا الهیات عملی) اندیشیدن درباره فرهنگ و جامعه به روش الهیاتی است. همان‌طور که جامعه‌شناس دین درباره دین و ایمان دینی با روش‌های جامعه‌شناختی تفسیر و تحلیل می‌کند، الهی دان اجتماعی نیز به تحلیل مسائل اجتماعی و واقعیات بیرونی از منظر الهیاتی می‌پردازد. این نوع از الهیات، که مسائل الهیاتی خود را از «خیابان» (متن) زندگی مردم برمی‌گزیند، در گام نخست به تحلیل و تفسیر الهیاتی از واقعیات اجتماعی

فقیهان و عالمان اخلاق، را شامل می‌شود؛ از این رو، حیات جمعی بشر و مسائل مرتبط با آن - بدان گونه که در متون دینی، اسلامی و شیعی مامطرح شده است - موضوع این رشته را تشکیل می‌دهد. این موضوع طبعاً دارای وحدت اعتباری و انتزاعی است و نه ذاتی و حقیقی.

از این نظر، هدف از الهیات اجتماعی در نهایت «دفاع از آموزه‌ها، مدعیات و تشریحات دینی است؛ یعنی اقناع و توجیه دینداران، توضیح، تعلیم و تبلیغ مخاطبان و مغلوب و محکوم ساختن معاندان»<sup>۵</sup>. در حالی که در نظر ما، الهیات اجتماعی و سپس الهیات معطوف به تمدن، علاوه بر اینکه باید از آموزه‌های دینی دفاع کرده و در جهت اقناع و توضیح و تعلیم و تغلیب گام بردارد، باید به «تفسیر الهیاتی» از رخداد‌های اجتماعی و «تصرف» در آن نیز اندیشه کرده و آن را هم جزء رسالت‌های یک الهی دان بداند. در حقیقت، در این معنا، رسالت الهیات و الهی دان نه صرفاً ارائه تفسیرهای اجتماعی از دین، بلکه ارائه تفسیرهای دینی از دنیا، تاریخ، و انسان، و آنگاه ایجاد حرکت و انگیزه برای سوق تاریخ انسانی به سوی کمال می‌داند. در این مرحله اقدام الهی دان در این منظر نه یک نظر به پرداز، بلکه یک کنشگر و فعال اجتماعی است که درصدد تهیه مقدمات غایت‌نهایی و سعادت قصوای بشر در متن تمدن‌های این جهانی است.

در حقیقت، آنچه که در بیان فوق نقل کردیم، کلام اجتماعی است که بیشترین مأموریت خود را در دفاع از آموزه‌های اجتماعی می‌بیند. کلام اجتماعی، مانند کلام سیاسی که در آن تلاش می‌شود آموزه‌های سیاسی دینی مورد بررسی، تبیین و دفاع قرار بگیرد، شاخه‌ای از علم کلام است و از همین رو هم تابع خصایص علم کلام است. این در حالی است که الهیات در این گفتار اعم از علم کلام در نظر گرفته شده است و برخی از قلمروها و موضوعات آن را نمی‌توان در علم کلام یافت و برخی از روش‌های آن نیز خارج از روش‌های رایج در علم کلام است. الهیات تمدنی به اصطلاحی که اینجا آمده است صرفاً تبیین آموزه‌های دینی‌ای که معطوف به تمدن باشد نیست، بلکه در آن سعی می‌شود دیگر آموزه‌های دینی را نیز که مستقیماً در مورد تمدن نیستند ولی در مهندسی تمدن قابل اعتنا هستند مورد توجه قرار دهد. به علاوه، در این الهیات سعی می‌شود از واقعیات تمدنی و اجتماعی نیز تفسیر الهیاتی و دینی ارائه نموده و، متناسب

جنگ و صلح، ازدواج و طلاق، هنر و ورزش، آیین‌ها و مناسک دینی می‌پردازد. این رشته بین رشته‌ای خود از پنج بخش حدیث اجتماعی، تفسیر اجتماعی، فقه اجتماعی، کلام اجتماعی و اخلاق اجتماعی تشکیل می‌شود. به شاخه‌های مذکور از آن جهت عنوان الهیات اطلاق می‌شود که همه آن‌ها با متون دینی (قرآن مجید و احادیث) سروکار داشته و هر یک با شیوه‌های اختصاصی مدعیات، آموزه‌ها و احکام دینی را شرح، توضیح و تفریح و توجیه می‌کنند.

### همین‌طور گفته می‌شود که:

الهیات اجتماعی معرفتی ترکیبی است که از بخش‌های مختلف، مانند حدیث اجتماعی، تفسیر اجتماعی، کلام اجتماعی، فقه اجتماعی، و اخلاق اجتماعی تشکیل شده است؛ موضوع آن نیز هم متون دینی مربوط به اصل زندگی اجتماعی انسان است و هم لوازم و عوارض و تبعات و آثار ناشی از آن، همچون خانواده و همسرگزینی، کار و تجارت، دولت و حکومت، تعلیم و تربیت و تبعیض و عدالت؛ همچنین این رشته متون دینی درجه اول، یعنی آیات و روایات، و متون دینی درجه دوم، یعنی مجموعه شروح و توضیحات و تفاسیر و استنباطات محدثان، مفسران، متکلمان،



### تلاش برای حفظ هویت

دو مرد یهودی در کنیسه‌ای در آمریکا دعای می‌کنند.

